

هوشنگ فرزانی

وکیل دادگستری

ترجمه از جلد دوم مجموعه حقوق

جزا و علوم جنائی تألیف:

Jean Pinatel و Pierre Bouzat

فصل چهارم: سازمان محاکم جزائی

بین‌المللی و تدوین قوانین و مقررات

حقوق جزای بین‌الملل.

## حقوق جزای بین‌الملل

### فوائد يك دادگاه جزای بین‌الملل

از سازمانهاییکه در سه فصل قبل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند موضوع به‌همانگ کردن مناسبات و روابط دول در قلمرو حقوق جزا مربوط بود بنابراین سازمانهای یاد شده در بین‌المللی کردن حقوق جزا شرکت کردند به منظور اینکه در روابط بین‌المللی از مشاجرات و برخوردهائی که امکان دارد بین حاکمیت‌های مختلف پدید آید جلوگیری و اجتناب شود ولی از لحاظ تفکیک و جدا کردن ضمانت اجرائی (مجازات‌ها) یعنی گرفتن این قدرت از سازمان دولتها توفیقی حاصل نگردید. بدین معنی که هر دولت قوانین و دستگاه قضائی خاص خود را حفظ نمود. بنابراین ضمانت اجرای جزائی بشرطی تضمین شد که رعایت احترام به مقررات حقوق داخلی حفظ و حمایت شود. پس وقتی پیشرفت‌های جدید در این زمینه حاصل خواهد شد که فقط يك سازمان بین‌المللی شایسته و ذیصلاحیت عدالت جزائی را بعهده گیرد در این مرحله است که بالنتیجه حقوق جزا قادر خواهد بود مقررات شعب مختلفه حقوق جزای بین‌المللی را تضمین کند. حقوق جزای بین‌الملل و سه شعبه‌ای که از آن منشعب میشود عبارتند از:

- ۱- حقوق جزای بین‌الملل اختصاصی
- ۲- حقوق بین‌الملل جزائی اختصاصی
- ۳- حقوق جزای بین دول

## بنیاد يك سازمان جزائی بین‌الملل عدالت جزائی بین‌الملل و حاکمیت ملی:

تأسیس يك سازمان جزائی بین‌الملل که هرگونه تخطی و تجاوز به مقررات شعب حقوقی جزای بین‌الملل را مجازات کند لازمه‌اش وجود تشریک‌مساعی و همکاری بین‌المللی است که واجد بعضی حاکمیت‌ها باشد (از بعضی از اقتدارات برخوردار باشد) تا بتواند اعمال و ابراز قوه قانونی را برای تحقق این آرزو بکار بندد يك چنین طرحی که بر علیه حاکمیت ملی ابراز شد مدت‌ها با عدم کامیابی مواجه گردید و تا زمانیکه دولتها از شناسائی يك قدرتی که مافوق آنها باشد سر باز زنند اجرای این طرح غیرممکن است یعنی چگونه قبول کنند که حق مجازات که اساساً اختصاص بقدرت و حاکمیت آنها دارد بتواند برزبر آنها اعمال شود و حتی در صورت مقتضی بر علیه خود آنها بمرحله اجراء درآید.

### سوابق قبلی عدالت جزائی بین‌الملل - جنایتکاران جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸

تجارب در جنگها ثابت کرده است که در زمینه حقوق جزا هم مثل زمینه‌های دیگر ضرورت تسلیم و سازش حاکمیت دول بسود اشتراك اتحاد بین‌المللی احساس میشود چون بلافاصله جنگ جهانی اول عقیده و نظریه رسیدگی به جرائم افرادی که در حین جنگ مقررات حقوق ملل را نقض و بدان تجاوز نموده بودند توسط يك دادگاه بین‌المللی نضج گرفت بخصوص در مورد گیوم دوم امپراطور آلمان و فرماندهان ارتش آلمان که بنقض شدید و مکرر قوانین جنگی محکوم شدند، معاهده و رسای محاکمه این متهمین جنایات جنگی را در نظر گرفت ولی کشور هلند بعنوان اینکه مسئولیتی متوجه امپراطور نمیشود از استرداد گیوم دوم خودداری نمود ولی در مورد سایر متهمین که اعمالی برخلاف عرف و مقررات جنگی مرتکب شده بودند و جهت رسیدگی به اتهامشان به دادگاههای آلمانی (داخلی) تحویل شدند بطور کلی برای عده‌ای از این متهمین منع تعقیب صادر و عده‌ای دیگر به مجازاتهای که از لحاظ قلت مسخره‌آمیز به نظر میرسید محکوم شدند.

### طرح بارن دکامپ (Baron Des Campe)

با وجود این عدم موفقیت (عدم رعایت بیطرفی از طرف محاکم آلمانی در مورد محاکمه اتباع آلمان) نظرات و عقاید اجرای عدالت جزائی رو به پیشرفت بود، چون بارن دکامپ طرح ایجاد يك دادگاه بین‌المللی جزائی را برای رسیدگی به جنایات جنگ بسازمان ملل پیشنهاد کرد که این دادگاه در مورد قضاوت به جنایات علیه نظم عمومی بین‌المللی و حقوق ملل ذیصلاحیت باشد ولی مجمع ملل این طرح را اقدامی زودرس اعلام و بالطبع از قبول آن خودداری نمود. در عوض به صلاحیت جزائی دیوان دائمی

دادرسی بین‌المللی که مقر آن مدت‌هاست در لاهه است افزوده و آنرا مورد تأیید قرار داد.

### بررسی و اقدامات مجامع اختصاصی

این مسئله بعداً توسط مجامع اختصاصی نظیر اتحادیه بین‌المجالس و مجمع بین‌المللی حقوق جزاء و مجمع بین‌المللی حقوق نیز مورد بررسی قرار گرفت. اتحادیه بین‌المجالس به سال ۱۹۱۴ در کنفرانسی که در برن تشکیل داد و در آوریل ۱۹۲۵ کمیسیون قضایی اتحادیه بین‌المجالس تعدادی از متون قانونی را که توسط پرفسور پلا (Pella) انشاء گردیده و از لحاظ عنوان دارای عنوانی بنام (اصول و مقررات اساسی قانون مجازات ملل) بود تأیید نمود بعد راه حل و تصمیمی در اکتبر ۱۹۲۵ توسط کنفرانس بین‌المجالس و اشنگتن گرفته شد و در این کنفرانس وجود بزهکاری دسته جمعی (مشترك) دول و لزوم پیش‌بینی مجازات آنها مورد تأیید قرار گرفت؛ اساسنامه مجمع بین‌المللی حقوق جزا نیز هدفها و فعالیت‌هایی را در این زمینه در نظر گرفته بود و این موضوع در اولین دستور جلسه کنگره ۱۹۲۶ بروکسل قرار گرفت و مسئله ایجاد يك سازمان قضایی جنایی بین‌الملل در آن عنوان شده بود؛ این کنگره علاوه بر مسئولیت جزایی و جرائمی که برای افراد در نظر گرفته بود کلیه مسئولیت جزایی ناشی از تجاوز يك دولت را که در اثر يك حمله غیرعادلانه و نیز رسیدگی به کلیه نقض و تخلف از مقررات بین‌المللی را بعهده دیوان دائمی دادرسی بین‌المللی قرار میداد و به منظور انجام این مقصود در سال ۱۹۲۸ طرح اساسی دادگاه جنایی بین‌المللی را تأیید و انشاء نمود.

### مجمع بین‌المللی حقوق

بر مبنای پیشنهادهای که توسط پرفسور هوگت بلو (Hugh Bellot) ضمن کنفرانسهای قبلی اش ارائه شده بود هنگام کنفرانسی که نامبرده در اوت سال ۱۹۲۶ در وین داد آنها را مطرح نمود و طرحی قانونی برای تأسیس يك دادگاه جزایی بین‌الملل که صلاحیت آن در مورد رسیدگی به نقض و تخلف از الزامات و تعهدات بین‌المللی بوده و دارای خاصیت جزایی باشد ارائه داد که این دادگاه همان‌گونه که به اتهامات علیه اشخاص حقیقی رسیدگی میکند قادر باشد به اتهامات دول نیز رسیدگی کند.

### فعالیت جامعه ملل (معاهدات بین‌المللی)

با اینکه این نظریه با اقدامات مفیدی توأم بود فقط قسمتی از بعضی از موافقت‌نامه‌ها به پشتیبانی جامعه ملل برای مجازات جرائم داد و ستد زنان و نشریات مخالف عفت و حمل مواد مخدر به تصویب رسید این قرارداد شامل يك شرط (ماده مشترك) است که تعیین‌کننده صلاحیت دادگاه بین‌المللی است یعنی صلاحیت این

دادگاه مربوط به کلیه اختلافاتی که از لحاظ اجرای قوانین و تفسیر قراردادها که ممکن بود بین دول معظم متماقدین ایجاد شود تسری داده شده بود. در سال ۱۹۳۷ گام بزرگ دیگری برداشته شد بدین معنی که یکی از مقاوله‌نامه‌هایی که در ژنو در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ به تصویب رسید راجع به مجازات تروریسم بود که در آن تأسیس يك دادگاه جزای بین‌الملل تجویز شده بود این قرارداد با مشارکت سیزده دولت که دول فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی در آن عضویت داشتند منعقد شده بود ولی حوادثی که بعلت اشتغال ناپره جنگ جهانی دوم پیش آمد جز موارد محدودی که مربوط به تروریسم بود بقیه به مرحله اجراء درنیامد و در این قرارداد صلاحیت دادگاه در موارد یاد شده اختیاری تعیین شده بود مهذا این قانون نموداری از تحرك قاطع در تحول حقوق عمومی معاصر بود زیرا همانگونه که مخبر کل کنفرانس سیاسی سازمان ملل به این مطلب اشاره کرد و اعلام نمود (این اولین مرتبه‌ایست که طرح‌ریزی امکان صدور آراء جزایی بین‌الملل بطور دایمی در امر جزائی بمرحله عمل درمیآید و نظرات کسانی که از عقیده حاکمیت طرفداری میکردند باطل و عقائدی که بر طبق آنها قضاوت فقط در قلمرو انحصاری دادگاههای داخلی تشخیص شده بود مردود شناخته شده‌اند).

### تقسیمات

در آستانه شروع جنگ ۱۹۳۹ به این نتیجه رسیدند که باید در اصل تأسیس يك دادرسی جزایی بین‌الملل را پذیرفت بدین معنی که نتایج و نظراتی که مدت‌ها افکار را بخود مشغول داشته بود از مرحله طرح به عمل درآمد یعنی جرائم ارتكابی جنایات‌کاران بزرگ آلمان در دادگاه نورمبرگ تحت رسیدگی قرار گرفت و این اجرای اولین معیار و سنجش بین دول بود بنابراین طرح دادگاه جزای بین‌الملل با حمایت سازمان ملل متحد بنحو جدی مورد بررسی قرار گرفت و قبل از این که مکانیسم این تأسیسات قضایی را توجیه کنیم بسیار حائز اهمیت است که نظر و عقیده‌ای را که همیشه مقدم بر سایر نظرات مورد توجه بوده یعنی بنظریه عناصر عدالت جزایی بین‌الملل بپردازیم.

### بخش اول - عناصر يك دادرسی جزایی بین‌الملل

محاکم جزایی بین‌الملل و حقوق جزای داخلی - تأسیس يك دادگاه جزای بین‌الملل در مناسبات بین دول کلیه مسائلی را که حقوق جزای کلاسیک بر روی موازین حقوق داخلی تنظیم و تعیین نموده است مطرح میسازد بنابراین باید عناصر معمولی تشکیل‌دهنده حقوق جزا را با محیط و اوضاع جدید منطبق سازیم یعنی به‌عناصر اصلی و ماهیتی با تعیین جرائم بین‌المللی و مجازات‌هایی که باید در مورد اینها اجراء کردند بپردازیم.

بنابراین عناصر اصلی دادرسی با بررسی‌هایی که در يك سازمان قضایی

خاص در روابط بین‌المللی لازم است باید مشخص کردند.

### بخش فرعی اول - مقررات اصولی (ماهیتی)

جرائم بین‌المللی - بند اول تشخیص جرائمی که ذاتاً بین‌المللی هستند و جرائمی که جرم استثنائاً بین‌المللی تلقی شده‌اند:

در حال حاضر امیدواریهای بزرگ در مورد پیدایش يك حقوق بین‌الملل جزایی و بالنتیجه تأسیس يك دادگاه جزای بین‌الملل بمنظور تأمین احترام و رعایت نظام عمومی بین‌الملل بخصوص توصیه شده است یعنی باید از مقررات حقوق بین‌الملل جزایی و حقوق جزای بین دول نامبرده شود و جرائم مربوط به این دو شعبه حقوقی بنام جرائم ذاتاً بین‌المللی توصیف شده‌اند و چنین بنظر میرسد روزی که دادگاه جزای بین‌المللی بطور دائم شروع بکار کند آنوقت میتوان امیدوار شد که با توسعه و صلاحیت این دادگاه بتوان از صلاحیت محاکم جزای داخلی کاست در اینصورت جرائمی که معمولاً در چهارچوب قانون‌گذاری داخلی هستند میتوانند تا سطح بین‌المللی برسند و این در صورتی است که کیفیاتی که در آن شرایط این جرائم ارتکاب یافته‌اند از حدود چهارچوب دول تجاوز کند. در این صورت از جرائم استثنائاً بین‌المللی سخن به‌میان می‌آید مثلاً قتل یا سرقتی که توسط يك گروه یا باند جنایتکار که دارای ملیت‌های مختلفی هستند (هرکدام تابعیت کشور بخصوصی را دارا هستند) ارتکاب یابد جرائم ارتكابی از ناحیه آنها جرائم استثناء بین‌المللی تلقی میشود. و چنین بنظر میرسد که بهمین نحو بتوان مرزهای عدالت جزای بین‌المللی را با توسعه و گسترش صلاحیت آن در رسیدگی به جرائمی که واجد خاصیت خارجی بودن (برون مرزی) است بدون اینکه به تعارض قوانین و مقامات قضائی منجر شود توسعه داد متأسفانه خیلی از آرزوها برآورده نشد و دیگر هرگز امیدی به تأسیس يك دادگاه جزای بین‌الملل که صالح برای رسیدگی به جرائم ذاتاً بین‌المللی باشد نمی‌توان داشت. و در زمان آشفته فعلی که ما در آن زندگی میکنیم اگر يك سازمان جزای بین‌الملل صالح برای رسیدگی به جرائم استثناء بین‌المللی باشد باز موجب امیدواری خواهد بود.

### مسئولیت دول و مسئولیت افراد

جرائم ذاتاً بین‌المللی تحت عنوان اصول و نقض مقررات حقوق بین‌الملل عمومی توصیف شده‌اند و ظاهراً چنین بنظر میرسد که این قوانین را فقط درباره خود دول میتوان اجراء نمود نه اتباع آنها. و بالنتیجه بعضی از حقوق‌دانان، دول را بمنزله اشخاص حقوقی فرض و معتقدند تنها دولتها را میتوان در مورد نقض مقررات بین‌المللی در يك دادگاه جزای بین‌الملل محاکمه نمود نه اتباع آنها را و بر این عقیده‌اند که وظیفه هر دولت است که توسط دستگاههای قضائی داخلی به جرائم اتباع و عناصری که فاعل مادی اعمال قابل مجازات‌اند رسیدگی و اقدامات تعقیبی

را درباره آنها معمول دارد ولی این عقیده هر چند منطقی و اساسی است معینا خیلی‌ها واهمه دارند که در عمل دادگاههای داخلی در مورد قضاوت مرتکبین و محرکین جنایات در کشورشان رعایت بیطرفی را نکنند در حالیکه محکومیت جزایی يك دولت توسط دستگاه قضائی بین‌المللی اصولا بی‌شائبه و از هرگونه نظرات شخصی میرا است؛ این تصور عده‌ای دیگر از حقوقدانان را به عقیده و نظر کاملا مخالف رهنمون شده و چنین اظهارنظر میکنند که مسئولیت جزائی دول امری کاملا فرضی است بنابراین برای دادگاه جزای بین‌الملل در مورد رسیدگی به امر فرضی صلاحیتی نمی‌توان قائل شد مگر صلاحیتی که آنهم در مورد رسیدگی به جرائم (اشخاص حقیقی) یعنی افراد باشند. بالنتیجه چنین بنظر میرسد که بهترین روش این است که در عین حال هر دو یعنی مسئولیت دول و مسئولیت افراد را در قبال دادگاه جزای بین‌الملل قبول کنیم ولی بدیهی است که بهیچوجه نمیتوان همان محکومیت‌هایی را که درباره اشخاص حقوقی باید اعمال شوند در مورد اشخاص حقیقی نیز اعمال نمود. بنابراین توصیف جرائم بایستی برای دول و افراد هر يك جداگانه مطرح شوند.

#### ۱- مسئولیت جزائی دول

اساس مسئولیت جزائی دول - قبل از شرح جرائم عمده‌ای که ارتکاب آنها از ناحیه دول ممکن است باید علی‌الاصول مسئولیت جزائی دول توجیه شوند و این مسئله بطورکلی به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی مربوط میشود. علاوه بر این موضوع اشکالاتی بخصوص در محافل بین‌المللی ایجاد نمود و بمنظور جلوگیری از آنها بر طبق عقاید و نظرات مشهور مسئولیت جزائی دول را میتوان بر مبنای سه طبقه‌بندی از دلایل ذیل قرار داد.

#### الف - خاصیت استثنائی (فوق‌العاده) شخصیت حقوقی دولت

برخلاف طبقه‌بندیهای دیگر دولت دارای يك خاصیت ضرورت است و عامل ضرورت است که موجودیت آن را ایجاب میکند بدین معنی که اجتماع بدون وجود دولت غیرقابل تصور است بنابراین هرگاه نظریه‌ای که بر طبق آن شخصیت حقوقی يك امر فرضی است قبول کنیم نتیجه این میشود که چون بر امر فرض مسئولیتی مترتب نمیشود بنابراین باید مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی دیگر نیز نفی شوند، در حالیکه (نظریه فرضی بودن دولت) نمیتواند مصداق داشته باشد چون دولت نماینده (واقعیت‌های مادی) که همان ملتها هستند میباشد.

#### ب - سازمان قانون اساسی بعضی از دول:

در اکثر کشورها عقیده اساسی این است که اعلام جنگ تابع نظر و تصویب قبلی مجالس مقننه باشد پس در این شرایط در واقع این ملت است که توسط

نمایندگانی که انتخاب کرده مسئولیت جنگ را بعهده گرفته پس در این صورت واضح است که يك ضمانت اجرائی (مجازات) جزای بین‌الملل که در مورد دولتی اجراء شود مستقیم یا غیرمستقیم بر روی همه افراد آن دولت منعکس میشود.

### ج - اصول جدید سیاست جزائی بین‌الملل

جرائم بین‌المللی که توسط دول ارتکاب‌یابند به همان اندازه که ناشی از اطاعت عوامل غیر فعال (مطیع) یعنی افراد ملت است بهمان اندازه نیز به تحریک و تشویق عوامل فعال (مطاع) که نماینده آن اقلیت هیئت حاکمه است مربوط می‌باشد یعنی توده ملت عمل مادی جرم حمله را باطاعت و فرمانبرداری از دولت متبوعه (هیئت حاکمه) و با غیرت و تعصب و فداکاری خارج از حد انجام میدهد و مطمئن است که هیچگونه مسئولیتی از این بابت متوجه او نخواهد شد بنابراین با محکوم نمودن دولتها به مجازات‌هایی که متناسب با طبیعت آنها است طبعاً به عناصر غیر فعال (مطیع) که همان افراد ملت باشد برخورد میشود و این فکر موجب ایجاد محیط مساعدی شده که در آن نظریه مجرمیت مشترک لغو و غیر قابل قبول باشد.

### طبقه‌بندی جرایم بین‌المللی که میتوان بدول نسبت داد

با پذیرفتن و قبول مسئولیت جزائی دول و با توصیف جرائم اصلی باید جرائمی را که این دول قادرند مرتکب شوند نتیجه‌گیری کنیم. قبلاً پیمان جامعه ملل و سپس پرتکل ژنو و پیمان بریان‌گلوگت جنگ تهاجمی را محکوم کرده بودند و همواره سعی و کوششها معطوف براین شد که از اقدام کشورهایی که بعنوان وسیله اجرای سیاست ملی‌شان به اسلحه متوسل میشوند جلوگیری نمود. مجامع اختصاصی بین دو جنگ جهانی روی این مسئله تمایل و علاقه نشان دادند و مهمترین جنایات بین‌المللی را در طرح‌های قانون جزای جهانی بشمار آوردند و بالاخره بمنظور تدوین مقررات حقوق بین‌الملل و حقوق جزای اختصاصی بین دول براساس گزارشات صحیح و مدارک غیر قابل تردید اقدام شد و الهام بخش آنان در تدوین این مقررات گردید و این تجارب بدست آمده ناشی از نتیجه آخرین تصادمات و برخوردهای بین‌المللی بوده است. بررسی‌های مختلفه وجود سه نوع جرم بین‌المللی را مشخص ساخت که عبارتند از: جنایات برضد صلح - جنایات جنگ و جنایات برضد بشریت که در بین آنها به جنایات نژادی و مذهبی (ژنوسید genocide) اهمیت فوق‌العاده قائل شده‌اند.

### جنایات برضد صلح

باید به جنایات برضد صلح کلیه اعمال يك دولت که تحریکات مستقیم یا غیر مستقیم آن جنگ مسلحانه‌ای را ایجاد کند بحساب آورد؛ جنگ تهاجمی نمونه بارز و مشخص آن است و این اولین و مهمترین جنایات است که بنظر رسید ولی جنایات

برضد صلح از حیث ظاهر و شدت از نوع دیگر جنایات اهمیت کمتری دارند و برطبق نظرات و عقایدی که مورد تأیید قرار گرفته، مهمترین اعمالی که بتوان آنها را تحت چنین عناوینی مجازات نمود:

۱- استفاده غیر قانونی و مستقیم يك دولت از نیروی نظامی خود بر علیه دولت دیگر (حمله بسرزمین‌های دیگران - کشتی‌ها یا هواپیماهای دولت دیگر - محاصره دریایی سواحل دولت دیگر - اعلام جنگ و غیره)

۲- تهدید با استفاده غیر قانونی از نیروی نظامی و تدارک و تجهیز سپاه بمنظور استفاده (انعقاد قراردادهائی که دارای حالت تعرضی بوده باشند و نیز بسیج سپاه بمنظور ترس و ارعاب و تبلیغات) و غیره.

۳- کمک مستقیم یا غیر مستقیم دولتی به دولت دیگر مهاجم (این عمل بمثابه آن است که از کمک و معاونت به سازمان ملل متحد هنگامیکه این سازمان اقدام برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بعمل می‌آورد جلوگیری شود).

۴- هرگونه اقدامی از طرف دولت‌ها که موجب شود - سازمان‌های ذیصلاحیت سازمان ملل متحد در مواردی که برطبق قانون اساسی این سازمان پیش‌بینی شده مجبور بمداخله شوند.

۵ - نقض تعهدات بین‌المللی در مورد تسلیحات (بسیج سپاه - اقدام به سربازگیری زائد بر میزان مجاز - احداث استحکامات استراتژیکی ممنوعه - ساخت سلاح‌هایی که بموجب موافقت نامه‌های بین‌المللی ممنوع شده‌اند و غیره).

۶- الحاق سرزمین يك دولت با نقض حقوق بین‌الملل بهر شکل و هر عنوانی که از الحاق باشد.

۷- اعمالی که منظور از آنها اختلال در نظم عمومی دولت دیگر باشد (پشتیبانی از دستجات و گروه‌های مسلح که در سرزمین دولت دیگر موجب بی‌نظمی و آشوب گردیده‌اند) تحریک بجنگ داخلی در سرزمین دولت دیگر، ساختن مسکوکات تقلبی یا چاپ اسکناس يك دولت بمنظور لطمه‌زدن باعتبار او انجام یابد و غیره.

۸- اقدامات مختلفه دیگر از قبیل قصور از ناحیه بعضی از دول نسبت بعدم رعایت احترام و شئون دول دیگر و نیز عدم هماهنگی با عرف و نظام بین‌المللی (نقض مصونیت‌های سیاسی - تخطی از اعمال قدرت قانونی در وسط دریاها) و غیره.

### جنایات جنگ و جنگ‌های بین‌المللی و داخلی

جنایات جنگ عبارت از نقض و تجاوز شدید به قوانین جنگی است. مدت مدیدی است که سعی و کوششها براین معطوف بوده که جنگ‌ها چه بین‌المللی و چه داخلی با روش و اصول انسانی توأم باشد نه فقط طرفین متخاصم بلکه مردم غیر نظامی هم باید حفظ و حمایت گردند. این کوششها بالاخره منجر به انعقاد مقاوله‌نامه -



های بورخ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و پرتکل ۱۹۲۵ و سپس معاهدات ۱۹۴۹ منقده در ژنو گردید.

هنگام جنگ استفاده از سلاحهایی که برطبق معاهدات بین‌المللی ممنوع اعلام گردیده‌اند جنایات جنگی محسوب است در حالی که ساخت این‌گونه سلاحها در زمان صلح در عداد جرائم برضد صلح عنوان گردیده ولی فقط امضاء معاهدات بشری-دوستانه بین‌المللی کافی نیست و مناسبتر این است که اجرای این معاهدات تحت حمایت حقوق جزای بین‌الملل بنحو مؤثری تضمین شوند. این مسئله شدیداً افکار حقوقدانان را بنخود معطوف داشته است.

### جنایات برضد بشریت

جنایات ضد بشری اساساً آنگونه جنایاتی است که بععل سیاست ملی یا نژادی یا مذهبی، دولتی تصمیم میگیرد بکشتار یا زندانی کردن افراد بیگناهی که هیچگونه جرمی مرتکب نشده‌اند مبادرت ورزد بنابراین میتوان دامنه و وسعت اقدام به جنایات ضد بشری را با توصیف و تعریف جزائی آنها توسعه داد یعنی کلیه محرومیت از حقوق اساسی شخص انسانی را شامل است البته این چنین تعریف موسع بخصوص باعث امیدواری است ولی باز تابع يك توصیف مشخصی است که بتوان حقوق افراد انسانی را دقیقاً تعیین نمود و این تعریف جز با احصاء این حقوق امکان نداشت و این از وظایف سازمان ملل متحد بود که می‌بایست توسط اعلامیه بین‌المللی حقوق انسانی را دقیقاً تعیین کند که این حقوق اساسی افراد انسانی چه حقوقی هستند؟ بدین منظور اعلامیه جهانی حقوق بشر تهیه شد که در آن علاوه برحق و حیات و آزادی، حق سلامت جسمانی، حق تشکیل خانواده، حق اشتغال بکاری که جهت تأمین معاش خود و خانواده شخص بار مزد کافی داده شود، حق تعلیم و تعلم و حق ابراز عقاید مذهبی و فلسفی را شامل میشد و بدین منظور يك قرارداد اروپایی جهت حمایت از حقوق انسانی منعقد شد و نیز بمنظور تأمین احترام بمقررات آن يك کمیسیون و يك دادگاه اروپائی جهت حفظ و حمایت این حقوق ایجاد شده‌اند.

### ژنوسید (Le génocide)

ژنوسید از جنایات خیلی شدید برعلیه بشریت تلقی شده و آن عبارت از قتل‌عام و نابودی کامل گروههای نژادی و مذهبی و سیاسی است و این جنایت به‌سه شکل ظاهر میشود:

ژنوسید جانی (جسمانی) یعنی سوءقصد باسابق تصمیم به حیات انسانی و امضاء گروهی که میخواهند آنها را نابود سازند. ژنوسید بیولوژیکی که منجر به جلوگیری از تولید نسل در داخل يك گروه انجام شود و دیگری ژنوسید افکار و عقاید است که عبارتست از اعمالی که با قصد قبلی ارتکاب و بمنظور نابودی زبان

و مذهب یا فرهنگت - گروه یا دسته‌ای بعمل آید.

## مسئولیت جزائی افراد

### قسمت دوم - مبنائی مسئولیت افراد

مسئولیت جزائی دول در سطح بین‌المللی بالطبع از مسئولیت بین‌المللی جزائی افراد مستثنی نیست و آن را زائل نمیسازد چون این افراد را میتوان بعلم ارتکاب جرائم استثنائاً بین‌المللی در نزدیک دادگاه جزائی بین‌دول مورد محاکمه قرارداد در این صورت مسئولیت و جرایم ارتكابی آنها را میتوان توسط همان دلائل و قرائنی که در حقوق داخلی حکمفرماست مورد استناد و ثابت نمود. یعنی موضوع عبارتست از جرائمی که نوعاً تابع قانونگذاری داخلی هستند ولی مجازات آنها میتوان بعلم و کیفیاتی که تحت آن شرایط ارتکاب یافته‌اند تا سطح بین‌المللی بالا برد و برطبق عقاید و نظراتی که فعلاً حکمفرماست افرادی که جرائمی از نوع ذاتاً بین‌المللی مرتکب شده‌اند باید در مقابل دادگاهی بین‌المللی که به جرائم ذاتاً بین‌المللی رسیدگی می‌نماید هدایت شوند منتهای مراتب ایراد شده است جرائمی که عبارت از نقض مقررات حقوق بین‌المللی عمومی میباشند قاعدتاً نباید در مورد کسی جز عنوان اصلی دولت اجراء شوند. بنابراین افراد را نمیتوان بعنوان نقض حقوق یاد شده مورد تعقیب قرار داد مگر اینکه این افراد عضوی از ارگانهای دولت متبوعه خود باشند و بنام دولتی که نماینده آن هستند فرامین و دستوراتی جنایت‌آمیز صادر و یا آن فرامین را اجراء کرده باشند و در نتیجه بعنوان فاعل مادی تحت تعقیب قرار گیرند. در این صورت در مرحله اول فاعل جرم عبارت از هیئت حاکمه‌ای است که عموماً در پناه مصونیت سیاسی هستند. در وهله دوم با مجریان ساده‌ای که خود در پناه سنگر نظریه‌ای اطاعت مادون (عامل غیر مؤثر) از خود دفاع میکنند مواجه هستند. بنابراین ارزش این نظرات در حقوق داخلی بهر اندازه که باشند وقتی مسئله از دیدگاه وسیعی عمیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد این نظرات بهیچ‌وجه از مجازات بین‌المللی جنایات فردی جلوگیری نمیکند و اگر بخواهند که عدالت جزائی بین‌المللی فقط بصورت کاملاً تئوری نباشد - مجازات افراد امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چون دولت از لحاظ و بمنزله شخص حقوقی، بدون کمک و دخالت افرادی که فرامین را صادر و اجرا میکنند قادر نیست حقوق بین‌المللی را نقض و بدان تخطی و تجاوز کند.

بنابراین مجازات اقدامات جرم‌آمیز فردی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان از فعالیت جرم‌آمیز دسته‌جمعی (مشترك) جلوگیری بعمل آورد.

### جرائمی را که میتوان به افراد نسبت داد

برطبق عقیده و نظراتی که بتوان از آنها جرائم بین‌المللی را به افراد نسبت داد، صرفنظر از جرائم استثنائاً بین‌المللی که از حقوق عمومی قانونگذاری داخلی

اقتباس شده، میتوان گفت هر دفعه فردی حکم یا امری را که از وظایف دولت متبوع اوست صادر و یا عالمأ و عامداً انجام میدهد، این اعمال از جرائم ذاتاً بین‌المللی میباشد که قابل نسبت دادن به افراد است مثلاً جنایات برضد صلح - جنایات جنگی یا جنایات برضد بشریت که افراد مرتکب شوند باید برای محاکمه به دادگاه جزای بین‌الملل هدایت شوند و بمنظور اجرای این قانون عملاً باید بطور دقیق روشن شود که این فرد در صدور این فرامین یا اجرای آنها تا چه حد مؤثر بوده و یا تا چه حد شرکت و مداخله داشته است و این امر لازمه اش تهیه و تصویب يك قانون جزای اختصاصی بین‌المللی است که قبلاً بر مبنای قانون جزای دول طرح ریزی شده باشد تا بتوان آنها را درباره افراد مورد عمل قرار داد.

## ۲- مجازات‌ها

### مجازات‌هایی که در مورد افراد قابل اجراء میباشدند

مسئله مجازات‌ها همانند مسئله اتهامات بطور مختلف در مورد دول و همچنین افراد مطرح شده‌اند آنچه که ناظر با افراد است کافی است که آنها را جهت اجرای مجازات و اقدامات تأمینی که معمولاً در سیستم مجازات‌های شناخته شده و معلوم داخلی عمل میشود؛ برای رسیدگی با اتهامشان به دادگاه بین‌المللی احاله شوند و درباره آنها همان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی که معمولاً در حقوق داخلی شناخته شده‌اند اجراء گردد همچنین باید سعی کرد روشها و شیوه‌های مختلف زندانی کردن را با هم تلفیق داد بطوریکه يك سیستم غیر مشابه و مختلط بوجود آید و بدین منظور باید مجازات‌های جدیدی که متناسب با جرایم ارتكابی باشد در نظر گرفت و نباید آمرانه هرگونه مجازات جدید برای افرادی که جرایم بین‌المللی مرتکب شده‌اند تصویب و اجراء نمود.

### مجازات‌هایی که در مورد دول قابل اجراء است

در مورد دول بنحو دیگری عمل میشود. یعنی همانگونه که در مورد اشخاص حقوقی رفتار میشود چون دولت را نمیتوان به بعضی از مجازات‌ها از قبیل مجازات‌های بدنی یا سلب آزادی محکوم نمود و انگهی هدف از اجرای عدالت جزائی در مورد دول بیشتر بمنظور پیشگیری و چاره‌جویی است نه مجازات بدین معنی که باید به اقدامات تأمینی که مقدم بر مجازات بمعنی مطلق است توسل جست.

در اینجا باز موضوع مربوط به نوعی بخصوص از اقدامات تأمینی است که بتوان آنها را درباره دول اجراء نمود مثلاً کاری کرد که قادر به اقدام جنایت‌کارانه نباشند یعنی قدرت این کار را از او سلب نمود تا قادر به آسیب‌رساندن به صلح بین‌المللی نبوده و آنرا به مخاطره نیاندازد. این اقدامات عبارتند از اشغال سرزمین او، کنترل فعالیت‌های اقتصادی یا سیاسی، انهدام تأسیسات و کارخانجات جنگی او و غیره.

## بخش فرعی - مقررات آئین دادرسی

مسائل و اشکالاتی که در عمل در اجرای آئین دادرسی جزائی بین‌المللی مطرح می‌گردد: در مورد قضاوت در مورد جرائم بین‌المللی نظریه‌ایکه مورد قبول همگان است تأسیس يك دادگاه جزائی بین دولتهاست که از اقتدار فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد ولی گردش کار و سیستم آئین دادرسی آن هنوز اقدامی زودرس بنظر میرسد و موافقت در مورد سازمان این دستگاه قضائی و توسعه صلاحیت آن فعلاً بعید بنظر می‌آید.

### سازمان دادرسی جزای بین‌المللی

بعضی از حقوق‌دانان تأسیس يك دادگاه جزائی مستقل را تجویز کردند. برعکس بعضی دیگر ترجیح دادند که صلاحیت رسیدگی باین‌گونه جرائم به يك دادگاه جنایی وابسته به دیوان دادگستری بین‌المللی واگذار شود و بالاخره چنین تشخیص شد که راه حل اخیر موجب میشود که از اختلافات ناشی از صلاحیت و اشکالات و موانعی که به ایجاد تعارض در مسائل حقوق جزا و حقوق خصوصی ممکن است در امر دادرسی پیش‌آید جلوگیری شود.

### صلاحیت دادگاه جزای بین‌المللی

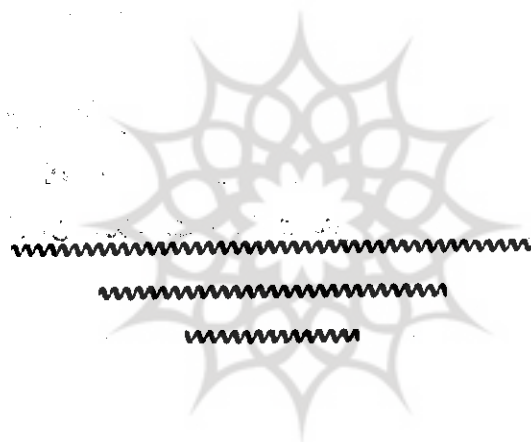
برحسب گسترشی که به صلاحیت دادگاه جزائی بین‌الملل داده شده این دادگاه موظف گردید، با اعمال آن صلاحیت فعالیت خود را در چهار زمینه توسعه و اعمال نماید:

الف - تشخیص اینکه جرائمی که از طرف دولتها یا افراد عادی ارتکاب یافته از جرائم ذاتاً بین‌المللی است یا نه با این دادگاه است. این صلاحیت عالی مسلماً علت اصلی تأسیس يك دادرسی جزائی بین‌المللی در يك محیط توأم با حسن‌نیت و صلح و آرامش است که در آن حاکمیت‌های ملی بحداقل کاهش یافته و بالنتیجه موجب ترویج و بوجود آمدن يك حقوق بین‌الملل جزائی بمعنی واقعی خواهد شد.

ب - این دادگاه طبعاً در مورد تشخیص جرائمی که استثنائاً بین‌المللی هستند نیز واجد صلاحیت است. بالنتیجه احاله دعوی بیک دادگاه داخلی که صلاحیت رسیدگی بآن را نداشته و یا اینکه اگر صلاحیت هم داشته باشد مسلماً با موانع آئین دادرسی برخورد میکند و مجبور خواهد شد که اقدام به تحقیقات مقدماتی و بازجوئی خود را در چندین کشور آغاز کنند و احتمالاً استرداد مرتکبین جرم را ضروری بدانند که این موارد خالی از اشکال نخواهد بود بنابراین يك دادگاه بین‌المللی از لحاظ اقدام به بازجوئی و تحقیقات و بدست آوردن دلائل ضروری جرم توسط دول ذینفع؛ تسهیلات بیشتری برایش فراهم است چون حتی قادر است برعلیه دولی که از همکاری و تعاون خود در امر کیفری سرباز زنند ضمانت اجرائی را عملی سازد.

ج- این دادگاه همچنین قادر است نقش عضو نظام دهنده صلاحیت‌های محاکم داخلی را بعهده داشته باشد و تحت این عنوان تعارض قوانین یا محاکم را در مورد کلیه جرائمی که رسیدگی و مجازات آن در حیطة و قلمرو محاکم داخلی بوده ولی توأم با يك عنصر خارجی (برون مرزی) است تنظیم و تعیین کند.

د- این دادگاه همچنین قادر است که در مورد تفسیر و اجرای معاهدات بین‌المللی نسبت به مجازات‌ها قضاوت کند البته قبول و تسلیم به این دو صلاحیت عالی و مهم برای دولت‌ها خیلی مشکل است چون به حاکمیت این دول تجاوز نموده و به آن لطمه میزند.



شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی